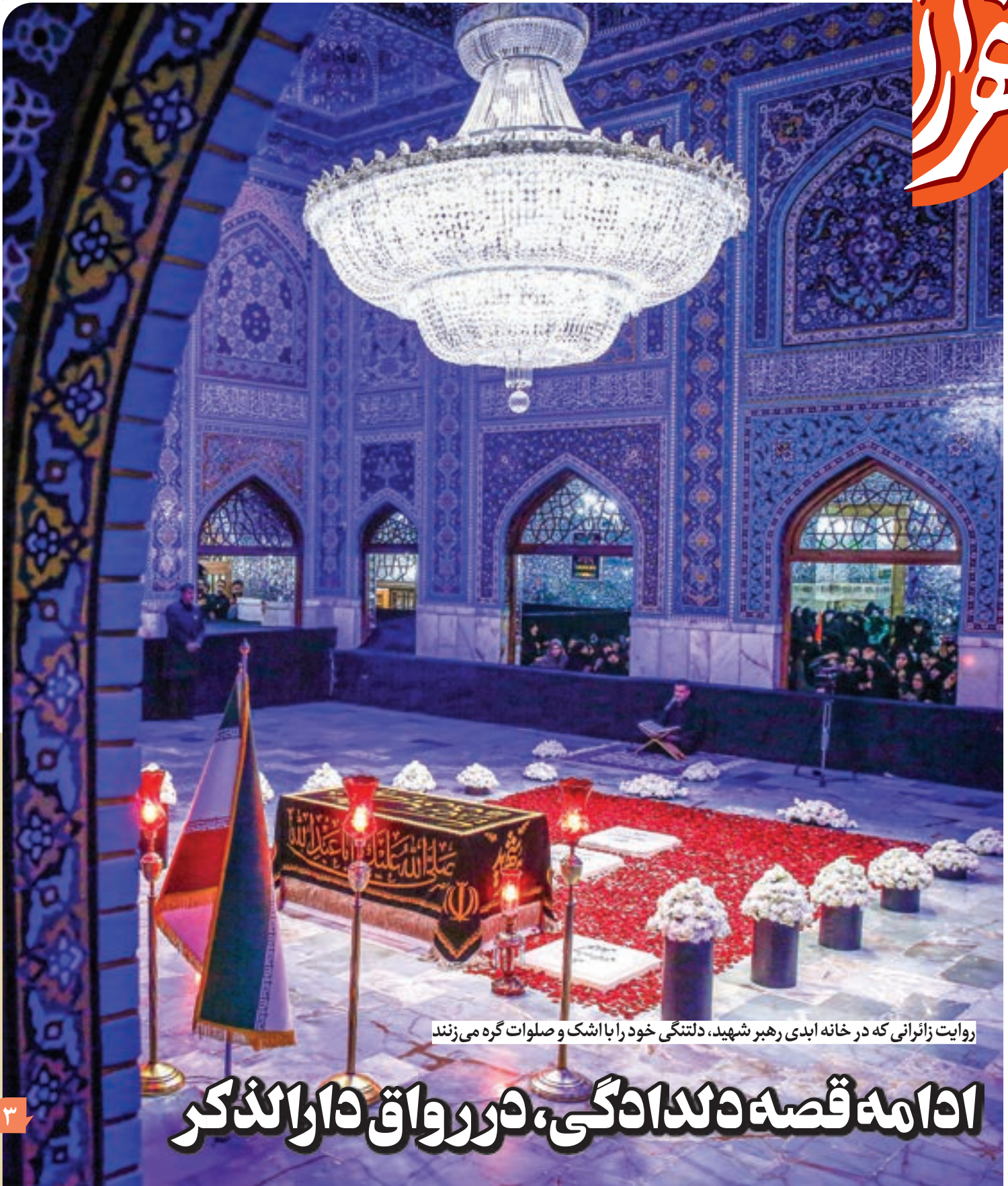




روایت زائرانی که در خانه ابدی رهبر شهید، دلتنگی خود را با اشک و صلوات گره می‌زنند

ادامه قصه دلدادگی، در رواق دارالذکر

عکس: بهیم دهقانی/شهریار

روایت خدمت در روزهای تشییع

شهردار منطقه ثامن در نشست صمیمانه با کمیته تشییع قاندامت از تلاش‌های شبانه‌روزی آنان در راستای میزبانی شایسته از زائران و عزاداران مراسم تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب اسلامی تجلیل کرد. حسین عبدا... زاده بابیان اینکه «خدمت در حریم منور حضرت رضا (ع) توفیقی است که نصیب هر کسی نمی‌شود»، گفت: منطقه ثامن به دلیل موقعیت استراتژیک و هم‌جواری با بارگاه منور رضوی، همواره پیشانی خدمات‌رسانی شهرداری است و عملکرد شماردار این ایام، الگویی از نظم و تعهد برای دیگر بخش‌ها به شمار می‌رود. وی با تأکید بر لزوم تقویت روحیه جهادی و پشتیبانی همه‌جانبه از نیروهای عملیاتی که در خط مقدم خدمت‌رسانی به زائران قرار دارند، بیان کرد: خدا را شاکریم که این مراسم باشکوه بدون هیچ‌گونه مشکلی به پایان رسید.



شهر خبر



دستر تسهیلگری بافت تاریخی، ۱۰۱۵ پلاک ارزشمند را در مشهد شناسایی کرده است

نجات میراث باقی مانده

بازخوانی تاریخ رواق دارالذکر که سرانجام آرامگاه رهبر شهید ایران شد عاقبت به خیری موقوفه گوهرشاد

دفتر تسهیلگری بافت تاریخی، ۱۰۱۵ پلاک ارزشمند را در مشهد شناسایی کرده است

نجات میراث باقی مانده



اوبالاشاره به اینکه پلاک گذاری ها کوچه به کوچه و به صورت عینی ظرف یک سال گذشته صورت گرفته است. تأکید کرد: سبک های معماری مختلف در بافت هاشناسایی شده است. مانند سبک دوره افشاری. قاجار و دوره پهلوی اول و دوم که هر یک روایتگر دوره ای از تاریخ این شهر هستند. در این باره با گروه های متخصص و مدیران شهری نیز مکاتبه و هم اندیشی داشتیم و مشوق هایی را نیز برای حفظ واحیای پلاک های ارزشمند در نظر گرفته ایم.

● ● بسته های تشویقی برای سرمایه گذاران

دیگر کارشناس شهرسازی این پروژه گفت: این رویکرد در حالی دنبال می شود که پیش تر ساخت و سازهای بلند مرتبه و ناهمگون با بافت، حریم منظر حریم مطهر را مخدوش کرده و حال و هوای معنوی زائران راهنگام تشریف تحت تأثیر قرار داده بود.

پریسا ساغریچی ادامه داد: در این راستا، سازمان با معرفی الگوی تبدیل خانه های تاریخی به بوتیک هتل، سرمایه گذاران را به مشارکت در مرمت و احیای این بناها تشویق می کند؛ به گونه ای که هم عواید اقتصادی آن به سرمایه گذار برسد و هم این میراث گران بها از خطر تخریب نجات یابد.

هماساعدتمند، مسئول صفحه هویت روزنامه شهرآر، گفت: کارشناسان معتقدند که نجات بافت تاریخی مشهد منوط به اجرای کامل قوانین موجود، نظارت جدی شهرداری و وزارت میراث فرهنگی و ورود قوه قضائیه به عنوان مدعی العموم برای توقف تخریب های غیرقانونی است. با تداوم این اقدامات حفاظتی، امید می رود که مشهد بتواند بخشی از هویت تاریخی اش را که در معرض نابودی قرار گرفته است، برای نسل های آینده حفظ کند.

را دارند. تعداد شایان توجهی از این بناها در منطقه ثامن قرار گرفته اند. در جلسه ای که با حضور کارشناسان دفتر تسهیلگری با شهرآر برگزار شد، فرناز هنری، کارشناس شهرسازی این سازمان، گفت: شناسایی و پلاک گذاری را در ۲۶ محله هدف در سراسر شهر مشهد آغاز کرده ایم و در این میان، کارهای مرمت و نوسازی در برخی از این خانه ها شروع شده است. هنری با تأکید بر اینکه از نظر هادی ایوانی، مدیر پروژه، هدف اصلی این طرح، جلوگیری از تخریب بناهای باقی مانده و احیای هویت تاریخی مشهد است و خروجی این تحقیقات در نهایت سند عملیاتی از بافت هویتمند تاریخی مشهد خواهد بود، ادامه داد: در ساختار شبکه مورد بررسی، پهنه ها و بافت ها، دانه ها و پلاک های واجد ارزش، گذرهای تاریخی، دروازه ها، خیابان های واجد ارزش، مکان ها و فضاهای شهری بررسی می شود و در مجموع تاکنون ۱۰۱۵ پلاک شناسایی شده است.

نجمه موسوی ایمن خبرهای ناگوار تخریب بناهای قدیمی و تاریخی و نادیده گرفتن هویت شهر در میان خشت خشت این بناها، در اقدامی که نویدبخش نجات میراث ماندگار شهری است، دفتر تسهیلگری بافت تاریخی، مدتی است زیر نظر سازمان بازآفرینی شهری و شهرداری مشهد، پروژه شناسایی و شماره گذاری خانه های تاریخی باقی مانده و واجد ارزش در بافت قدیمی مشهد به خصوص محدوده اطراف حرم و منطقه ثامن را آغاز کرده است.

شهرآر به عنوان واسطه ای بین مردم و این سازمان روند شناسایی افراد قدیمی و بناهای هویتی هر محله را تسهیل می کند. در جلسه ای با حضور کارشناسان دفتر تسهیلگری با شهرآر، در این باره گفت و گو شد.

● ● شناسایی کوچه به کوچه بناهای ارزشمند

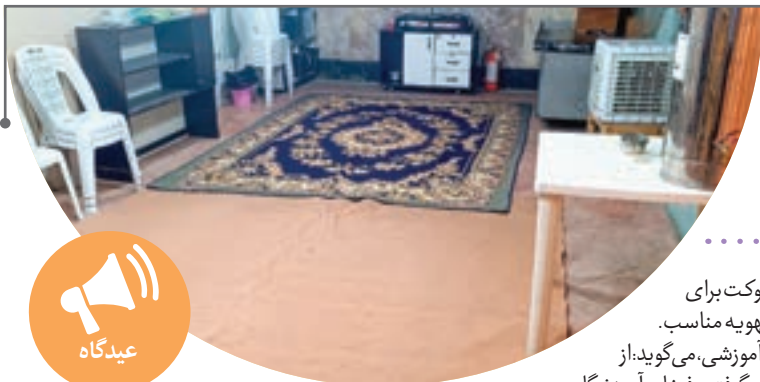
شناسایی و شماره گذاری خانه های تاریخی در حالی صورت می گیرد که بافت تاریخی اطراف حرم در سه دوره زمانی ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۴، ۱۳۱۴ تا ۱۳۵۳ و از ۱۳۷۱ به بعد، دستخوش تخریب های گسترده ای شده و هویت کهن مشهد را به مخاطره انداخته است. این موضوع باعث کم رنگ شدن حافظه تاریخی مردم و از بین رفتن حس تعلق خاطر در مسائل اجتماعی شده است.

سازمان بازآفرینی شهری و شهرداری مشهد با بهره گیری از حافظه تاریخی بومیان و پیشکسوتان محله و نیز هماهنگی اداره کل میراث فرهنگی و شهرداری، موفق به شناسایی حدود ۱۰۱۵ اثر واجد ارزش شده است که قابلیت ثبت در فهرست آثار ملی



مجموعه آموزشی محله بالاخیابان کلاس هایش را تعطیل کرد تا میزبان زائران تشییع رهبر شهید باشد

درس مهمان نوازی در آموزشگاه



همراهی زیادی بود؛ از تهیه کردن موکت برای این فضای بزرگ گرفته تا ایجاد تهویه مناسب. محمد اویسی، مدیر این مجموعه آموزشی، می گوید: از

چند روز پیش از مراسم تشییع تصمیم گرفتیم فضای آموزشگاه را به اسکان اختصاص دهیم. کلاس ها را به دو بخش تقسیم کردیم تا فضای مجزا برای خانم ها و آقایان فراهم شود. برای مغفوش کردن آن ها هم از فامیل کمک گرفتیم و گفتیم هر کس موکت تمیزی دارد، بیاورد تا بتوانیم همه فضا را فرش کنیم.

اویسی از آن دست ساکنانی است که پس از مدتی زندگی در محلات دیگر، به منطقه ثامن که محل پدری همسرش است، برگشته و همسایگی با امام رضا^(ع) را به زندگی در هر جای دیگری ترجیح داده است. آموزشگاه و نیز یک بنیاد نیکوکاری علمی است که در مواقع لزوم می تواند برای کارهای فرهنگی و اجتماعی از آن استفاده کند. او که یک کارآفرین ایده پرداز است، می گوید: از دوشنبه که مراسم تشییع در تهران پایان یافت، آماده اسکان شدیم. ابتدا اقرار بود اینجا فقط محل استراحت باشد. ولی وقتی دیدیم از شهرهای مختلف آمدند و استقبال زیاد بود، همه را مانند یک خانواده دیدیم. وقتی خانواده مان دور هم جمع می شوند به یک مراسم جمعی می آیند، وظیفه میزبان سنگین تر می شود.

امکانات رفاهی اولیه از کلمن های بزرگ آب سرد گرفته تا پتو و بالش برای استراحت، بایک فراخوان توسط همسایه های محدوده

نجمه موسوی منطقه ثامن به دلیل هم جوار بودن با حرم مطهر رضوی همیشه میزبان زائران حضرت رضا^(ع) بوده و مهمان نوازی ساکنان منطقه ثامن، به خصوص در روز هایی که مشهد مملو از جمعیت می شود، زیانزد بوده است. در روز های تشییع پیکر مطهر رهبر شهید و خانواده ایشان نیز دیدیم که علاوه بر سازمان ها و نهاد های مرتبط و مساجد و حسینیه ها و مدارس، مردم نیز از سراسر شهر داوطلب میزبانی از زائران بودند. اما عزادارانی که برای تشییع آمده بودند، ترجیح می دادند در محلی نزدیک به حرم اقامت کنند؛ حتی اگر امکانات رفاهی خاصی نداشته باشند. در میان خانه های فراوانی که در محلات بالاخیابان و پایین خیابان در شان به روی زائران باز بود و پذیرای آن ها بودند، یک مجموعه آموزشی در خیابان کاشانی محله بالاخیابان به صورت ویژه کلاس های خود را تعطیل کرد تا زائران در نزدیک ترین نقطه از مراسم تشییع، بتوانند اسکان داشته باشند. آموزشگاه فنی و حرفه ای نیکوکاری فرانیکان چهار کلاس خود را که ظرفیتی برای حدود پنجاه نفر داشت، به مدت یک هفته در اختیار زائران گذاشت تا سهم خود را در مهمان نوازی این مراسم بزرگ ایفا کرده باشند.

● ● همراهی فامیل در موکت کردن کلاس ها

کلاس هادریک زیرزمین بزرگ قرار دارد که با جمع کردن صندلی ها و موکت کردن آن ها، فضا برای اسکان مهیا شد. اما همین کار نیازمند

دریادل و نوغان فراهم شد. موضوع بعدی تهیه کردن سه وعده غذا برای مهمان ها بود که جزو غذاهای خانواده اویسی شد و از طریق ارتباطاتی که داشتند، توانستند در این مدت پذیرایی در شأن مهمانان مراسم تشییع داشته باشند. حالا پس از یک هفته قرار است از مهمان هایی که دیگر مانند یک خانواده هستند، خدا حافظی کنند و کلاس ها به روال قبل برگردد.

● ● سفره غذایمان هم آماده بود

سید ربیع حسین زاده از شهرستان بابل آمده است. از ابتدای صحبتش مدام می گوید که به عشق رهبر آمده و حضورش وظیفه شرعی او بوده است. این پدر بزرگ مهربان که دست نوه هایش را گرفته است و خانوادگی به مشهد آمده اند، می گوید: همین که جایی نزدیک حرم برای ماندن داشتیم، خیلی خوب بود. قرار نبود پذیرایی غذا هم داشته باشند. اما با مهمان نوازی خوب مشهدی ها به راحتی زیارت می رفتیم و وقتی برمی گشتیم، سفره غذایمان هم آماده بود.

ادامه قصه دلدادگی، در رواق دارالذکر

سکینه تاجی ارواق دارالذکر این روزها حال و هوایی متفاوت از گذشته پیدا کرده است. رواقی که سال‌هایکی از گذرگاه‌های آرام حرم مطهر رضوی بوده. اکنون به یکی از بخش‌های پررفت و آمد این آستان مقدس بدل شده است. محلی برای قرار و دیدار عاشقان آقای شهید با ایشان و خانواده‌شان. حالا همه زائرانی که از خادمان، سمت و سوی صحن آزادی رامی‌پرسند، در پی رسیدن به دارالذکر هستند. دری در گوشه غربی صحن نو، باب وصال این روزهای زائران حرم رضوی است.



پیرو آرمان‌های رهبر شهیدیم

بانوی میان‌سالی که در بدو ورود به راهرو میان دو رواق دارالسرور و دارالذکر، دستش را روی عکس بزرگ رهبر شهید می‌کشد، با صلوات‌های پیاپی به مسیری که برای زیارت تعیین شده است، وارد می‌شود. جلو اولین در مشرف به مرقد می‌ایستد و دقایقی خلوت می‌کند. خدیجه احمدی، زائری زنجان است که پس از چند سال، سعادت زیارت پیدا کرده. بانگ‌های ناباور به سمت دارالذکر می‌گوید: حسرت دیدار بار رهبر شهید بر دل‌م ماند. آرزویم این بود که خطبه‌ی مقدم توسط رهبر خوانده شود و به این بهانه، دیداری حاصل شود. می‌دانستم که مهم‌ترین شرط قبولی چنین درخواستی، این است که مهریه عروس، از چهارده سکه بیشتر نباشد و من با کمال میل فقط برای اینکه سعادت حضور در محضر آقا را پیدا کنم، چنین شرطی را پذیرفته بودم. اما وقتی تماس گرفته شد با دفتر آقا، فهمیدیم نزدیک به یک سال باید برای تعیین تاریخ عقد صبر کنیم؛ زوج‌های مشتاق فراوانی قبل از مادر نوبت بودند. حسرت زیادی دارد که این آرزویش محقق نشده است. اما مهریه را همان قدری تعیین کرده که به قول خودش «پسند آقا» بوده است. می‌گوید: بعد هفده سال زندگی مشترک، به عشق آقای شهیدم، همان راهم به همسرم بخشیدم. همه تلاشمان در زندگی مشترک به کار بستن همان توصیه‌هایی است که رهبر عزیز در این سال‌ها و به بهانه‌های مختلف درباره بهمود روابط زن و مرد در زندگی فرمودند. دارالذکر حالا جایی است که هر بار امام رضا (ع) ما را برای زیارت دعوت کند، محل دیداری بهانه‌مان بار رهبر شهید است. خانم جوان، چادرش را محکم گرفته است تا از روی صورتش کنار نرود و اشک‌هایش پنهان بماند. از جمعیت خانم‌ها در جلودرها فاصله می‌گیرد و با دستی که روی سینه نگه داشته است، عقب عقب برمی‌گردد. دیروز از کرمان رسیده و با فاصله مشرف شده است به حرم. اولین حضورش در دارالذکر است. بانگ‌های دوباره به سمت مرقد رهبر شهید می‌گوید: اولین بار که آقا را دیدم، در یک دیدار دانشجویی بود، بیشتر از بیست سال پیش. شکر خدا نزدیک بودم به جایگاه و از فاصله چندمتری رهبر رامی‌دیدم. به حدی آن لحظات سرشار از حسی نگفتنی ولذت بخش بود که هنوز بعد از این همه سال، چشم‌هایم را که می‌بندم، آن صحنه در ذهنم زنده می‌شود. بعد از آن دیدار، همه آرزویم دیدن دوباره ایشان بود. همیشه برای دخترم از آن دیدار صحبت می‌کردم و قول چنین دیداری را به او داده بودم. صد حیف و هزار حسرت که حالا باید برای دیدار با آقا به دارالذکر بیایم.



جایی برای بیعت و عبادت

رواق دارالذکر سال‌های سال مکانی برای رفت و آمد زائران روضه منوره و مسیری برای رسیدن به ضریح مطهر امام رضا (ع) بود. تاپیش از این، علما و مشاهیر بسیاری از جمله مرحوم علامه محمد تقی جعفری، شهید کامیاب، مرحوم آیت‌الله لویس‌آنی و مرحوم حافظیان در رواق‌های دارالزهد، دارالسلام، دارالحفاظ و دارالسیاده به خاک سپرده شده بودند. اما اکنون دارالذکر با درآغوش گرفتن پیکر آقای شهید و چهار تن از نزدیکان بزرگوارش، به عنوان نکیته بالارزش در نزدیکی روضه منوره می‌درخشد و از این پس، زائران پس از تشریف زیارت حضرت رضا (ع)، برای عرض ارادت و تحکیم پیمان وفاداری در این رواق به محضر سیدالشهدای وطنمان، ایران می‌رسند.

آینه‌ها شهادت می‌دهند

جمعیت مشتاقان فراوان اند. این موضوع از ازدحام صف‌ها پیداست. صف ورودی خانم‌ها که امتدادش تا میانه صحن آزادی را دربر گرفته است، قدم قدم جلو می‌رود. می‌روم پشت سر آخرین زنی که در صف ایستاده است و دقایقی بعد، ده‌ها نفر را پشت سرم می‌بینم. زنی پایه‌سن گذاشته، با عبارت‌هایی دل‌نشین، از جمعیت صلوات می‌گیرد. پس از ورود به رواق، فقط چند قدم کوتاه باید برداشت تا رسید به چهار در چوبی بیرون رواق که نگاه‌های مشتاق زائران را به مرقد آقا گره می‌زنند. دست‌های سینه می‌روند برای سلام؛ همه به جای خود را به زبان اشک و زمزمه می‌دهد و بهت و ناباوری و دل‌تنگی از میان گریه‌های بیرون می‌زنند.

آینه‌کاری‌های دیوار راهرو مجاور دارالذکر پس از این، هزاره‌ها تصویر دارند از خیل عاشقانی که به دیدار پیرو مراد خود می‌آیند. هر کسی برای عرض ارادت و ابراز دلتنگی فقط چند ثانیه زمان دارد. باید دید و گذر کرد و جارا به زائر بعدی سپرد. از جمعیت عقب می‌شوم و به دیوار حائل میان رواق دارالذکر و دارالسرور تکیه می‌دهم و غرق تماشای رواق می‌شوم. تجمع خانم‌ها جلوی چهار دراز درهای روبه مرقد آقای شهید است و آقایان در رواق کوچک دارالعهز ایستاده‌اند و از آنجا روبه مرقد مطهر شهدا فاتحه می‌خوانند و دست‌آدب به سینه می‌فشارند.

افتخاریک رواق

عطر و شمیم فضا، قربت این رواق‌ها به روضه منوره حضرت رضا (ع) را یادآوری می‌کند. در کتابی از خاطرات مرحوم احتشام کاویانیان که از خدام حرم رضوی بود درباره دارالذکر آمده است: «... کف رواق و ازاره از سنگ مرمر است و از بالای ازاره تمام دیوارها و سقف و راهرو با کاشی‌های معرق‌ترین یافته و در وسط سقف با خط نسخ به صورت دایره، صلوات مخصوص امام علی بن موسی الرضا (ع) نوشته شده است...»

چشم می‌گردانم، بلکه هنرمندی استادکارهای این بارگاه را بر سقف و دیواره‌ها بینم. در عکس‌هایی که از سالیان گذشته این رواق دیده بودم، تصویری از زیبایی و شکوه نقش و نگارهای هنر ایرانی در ذهن داشتم. نقوشی که قد است و روحانیت را در یک فضای عبادی افزون می‌کنند. در عکس‌ها زائران، غرق در جهان معبود، ثابت مانده بودند، اما حالا اینجا همان رواق بود و صد هাজার در جنب و جوش دیدار بار رهبر شهید خود بودند و من، بی‌واسطه عکس‌ها، داشتم این رواق و آدم‌هایش را نظاره می‌کردم. خوانده بودم که این رواق در دوره‌های مختلف تاریخی، دارای کاربری‌های متفاوتی بوده است. زمانی، بخشی از موقوفات مسجد گوهرشاد بوده و بعداً به عنوان مدرسه و کتابخانه مورد استفاده قرار گرفته است.





بالا خیابان، پایین خیابان

مجلات منطقه‌ها

بازخوانی تاریخ رواق دارالذکر که سرانجام آرامگاه رهبر شهید ایران شد

عاقبت به خیری موقوفه گوهرشاد

عیدگاه



عکس در سال ۱۳۸۲ ثبت شده است

از اماکن اطراف آن هم گرفته شد.

● مدرسه‌ای که مدرسه نشد

بخشی از خاطرات مرحوم احتشام کاویانیان، از خادمان حرم، که در کتاب «حريم ملڪوت» آمده، چنین است: «چون این مدرسه در زمین وقفی آستانه، بدون مجوز شرعی بود، از ابتدا حالت مدرسه‌ای به خود نگرفت. قسمت غربی آن که سالن مدرس بود، به آسایشگاه خدام و قسمت فوقانی آن به کتابخانه تبدیل شد. در سال ۱۳۴۳ بازسازی و تغییر کاربری یافت و با پوشش جدید سقف به صورت رواقی جدید درآمد و به دارالذکر موسوم شد. این بنا با محاسبه فضاهای جانبی حدود ۲۱۶ مترمربع مساحت دارد. کف رواق و آزاره از سنگ مرمر است و از بالای آزاره تمام دیوارها و سقف و راهرو با کاشی‌های معرق تزیین یافته و در وسط سقف با خط نسخ به صورت دایره، صلوات مخصوص امام علی بن موسی الرضا^(ع) نوشته شده است.»

دارالذکر در اصل به عنوان «برف انداز، مسجد گوهرشاد استفاده می‌شده و کاربری دیگری نداشته است تا زمانی که مدرسه علمیه‌ای در آن تأسیس شد. زمانی که علی نقی میرزا دستور ساخت مدرسه را داد، به او تذکر داده شد که نباید در این محل ساخت و سازی صورت گیرد. چرا که آنجا موقوفه مسجد گوهرشاد بوده است. اما این تذکر مورد توجه قرار نگرفت و بنایی به عنوان مدرسه علمیه علی نقی میرزا ساخته شد. اما به دلایل مختلف مورد اقبال طلاب قرار نگرفته و بلااستفاده باقی ماند.»

این پژوهشگر تاریخ ادامه می‌دهد که این فضا در سال‌های بعد نیز با کاربری‌های مختلف به حیات خود ادامه داد. مدتی به عنوان انبار فرش و بیت فراشان بود و در دوره‌ای از اوایل حکومت پهلوی نیز کتابخانه آستان قدس به طبقه دوم ساختمان این محل منتقل شد و مدتی در آنجا فعال بود. به گفته نواییان، تا اوایل دهه ۱۳۴۰ این وضعیت ادامه داشت تا اینکه با توجه به نزدیک بودن این مکان به روضه منوره و قرار گرفتن آن در مسیر تشریف‌زائران، سپهبد امیرعزیزی، نایب‌التولیه وقت آستان قدس، تصمیم گرفت این مدرسه را به یک رواق تبدیل کند؛ تصمیم مشابهی که برای بسیاری

سکینه تاجی ارواق دارالذکر، واقع در جنوب شرقی روضه منوره، از فضاهای به نسبت جدید حرم مطهر امام رضا^(ع) است. این مکان از شرق به حجره‌های صحن آزادی، از شمال به دارالسرور، از غرب به دارالعهز و از جنوب به دارالزهد متصل است. رواق دارالذکر در دوره‌های مختلف تاریخی کاربری متفاوتی داشته است. در گذشته، این رواق بخشی از موقوفات مسجد گوهرشاد بود و بعدها به عنوان مدرسه علمیه بهره‌برداری شد.

● از مدرسه علمیه علی نقی میرزا تا کتابخانه

آن طور که در اسناد آستان قدس رضوی آمده است، در زمان حاکمیت فتح‌علی شاه برای ایران، علی نقی میرزا کنالدوله، پسر فتح‌علی شاه، متولی آستان قدس و والی خراسان بود. پس از پایان ساخت صحن (نوآزادی کنونی)، علی نقی میرزا به حاج آقا جان، معمار باشی آستان، دستور ساخت مدرسه‌ای را داد که زمینی بلااستفاده، پشت زاویه غربی این صحن داد؛ مدرسه‌ای که بنای آن، چند سال پس از عزل او به اتمام رسید. جواد نواییان رودسری، پژوهشگر تاریخ مشهد، درباره تاریخچه شکل‌گیری این رواق می‌گوید: محل کنونی رواق

سوپری ته پل محله ۶ از رد پای مهاجران قدیمی در محله بالاخیابان می‌گوید

ندری‌های سخاوتمندانه مسجد ترک‌ها

سمیرا شاهیان، مغازه‌دار ارشد در میانه‌های کوچه ته پل محله ۶، در محله بالاخیابان، فقط محل کسب و کار نیست، بلکه صندوقچه خاطرات است. جواد علیزاده متولد سال ۱۳۴۷ و ساکن همیشگی همین محله است. مغازه او پاتوقی است که سی سال است بر سر یک اصل با اهالی، به ویژه نوجوانان و جوانان مانده است: در این مغازه سیگار فروخته نمی‌شود. دو کاغذ که این پیام را به زبان‌های فارسی و عربی در خود دارند، گواه این موضوع اند. در میانه یکی از همین روزها کمی متقاضیان مغازه آقای علیزاده کم‌ترند، با او در حوالی مغازه‌اش گشتی زده ایم.



● مناسبت هادر محله‌های قدیمی خیلی پررنگ بود. هنوز هم خاطره عیدهای غدیر خیابان بهجت ۱۳، حال را خوب می‌کند. این کوچه در گذشته «شهید حافظیان» بود و به واسطه حضور پررنگ خانواده‌های سادات، حال و هوای خاصی داشت. یاد می‌آید یک سال، رمضان، یکی از همسایه‌هایمان، «میرداوود هاشمی» که چند فرزند معلول هم داشتند، درگیر خاک‌سپاری یکی از عزیزانشان بودند. وقتی که آن‌ها از خاک‌سپاری بازگشتند، با لطف همسایه‌ها رو به رو شدند. مرحوم طاهره خانم یاری با کمک همسایه‌ها، سماور را روشن کرده و بساط افطار را برایشان چیده بودند.

● اینجا مرحوم «بی‌بی» زندگی می‌کرد که اصالتا اهل بابل بود و به مشهد پناه آورده بود و به تنهایی در اینجا زندگی می‌کرد. در طول این سال‌ها همسایه‌ها هوایش را داشتند و به او کمک می‌کردند. یکی دو سال قبل از فوتش به دلیل بیماری راهی بیمارستان شد. سرانجام با کمک یکی از تکنیسین‌های اورژانس که همراه با مادرش برای کمک به بی‌بی می‌آمد، او را به خانه سالمندان سپردیم و چند سال بعد هم فوت کرد.



● اینجا را خیلی‌ها به نام «محله ترک‌ها» می‌شناسند. قصه‌اش به سال‌هایی برمی‌گردد که ایرانیان ساکن آن سوی مرزهای شوروی به کشور برگشتند و در خانه‌های ویلایی این کوچه ساکن شدند. این محله با مسجد ترک‌ها هم حال و هوای دیگری داشت. هنوز هم که یاد مراسم سوم امام حسین^(ع) می‌افتم، طعم آن پلو قیমে‌های مفصل و نذری‌های سخاوتمندانه ترک‌زبان‌های محله زیر زبانه می‌آید.